

### **Mediation in the preliminary research phase**

Davod Davar Panah<sup>1</sup>  
Morteza Naji Zavareh<sup>2</sup>  
Abbas Shaykh al-Islami<sup>3</sup>

Received Date: 3 Jan 2022  
Reception Date: 16 Mar 2021

#### **Abstract**

Inspired by the teachings of the restorative justice system and identifying the principle of prosecution, Iran's new criminal procedure policy in the 2013 Code of Criminal Procedure seeks to reconcile the parties through mediation. Mediation is a three-way process (crime-victim-society) and one of the manifestations of contractual justice and has equivalents such as intercession and arbitration in jurisprudence. Articles 82, 83, 84, and 192 of the Code of Civil Procedure provide for the mediation process in 6th to 8th degree minor crimes (minor minor crimes). After reaching an agreement, the judicial authority shall suspend prosecution or suspension based on the nature of the crime. It is issued and the case is closed at the preliminary investigation stage and leaves the cycle of criminal justice, so it remains to be seen whether the legislator has been able to provide the maximum possibility of this process by efficiently explaining the realm of mediation. In order to amend the relevant laws, the result of this descriptive-analytical research is that even in the mentioned crimes, the result of mediation is

---

<sup>1</sup> . Student, Department of Criminal Law and Criminology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

<sup>2</sup> . Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author)  
naji.mortaza@yahoo.com

<sup>3</sup> . Associate Professor Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

more desirable than the formal criminal justice, although it is necessary to extend this process to other crimes.

**Keywords:** Criminal Procedure, Restorative Justice, Criminal Mediation, Peace and Reconciliation

### میانجی‌گری در مرحله تحقیقات مقدماتی

داود داورپناه<sup>۱</sup>  
 تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۳  
 مرتضی ناجی زواره<sup>۲</sup>  
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵  
 عباس شیخ‌الاسلامی<sup>۳</sup>

### چکیده

سیاست نوین دادرسی کیفری ایران در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با الهام از آموزه‌های سیستم عدالت ترمیمی و شناسایی اصل اقتضای تعقیب، سعی بر مصالحه طرفین از طریق میانجیگری دارد. میانجیگری فرایندی سه سویه (بزه‌کار- بزه‌دیده- جامعه) و یکی از جلوه‌های عدالت قراردادی بوده و معادل‌هایی چون شفاعت و حکمیت در فقه دارد. در مواد ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۱۹۲ قانون آیین مذکور، چگونگی فرایند میانجیگری در جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ (جرایم خرد کم اهمیت) پیش‌بینی شده که پس از حصول توافق، مقام قضایی بر اساس ماهیت جرم ارتكابی قرار موقوفی تعقیب یا تعلیق صادر می‌نماید و پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی مختومه و از چرخه عدالت کیفری خارج می‌گردد، لذا باید دید آیا قانونگذار با تبیین کارآمد قلمرو میانجیگری توانسته است امکان حداکثری از این فرآیند را فراهم سازد،

۱. دانشجو گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده)

مسئول: [naji.mortaza@yahoo.com](mailto:naji.mortaza@yahoo.com)

۳. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

پاسخ‌دهی به پرسش مذکور قدمی است در جهت شناخت کاستی‌های موجود برای اصلاح قوانین مربوطه، نتیجه این تحقیق تفسیری، کیفی این است که حتی در جرایم مذکور نتیجه میانجیگری نسبت به عدالت کیفری رسمی مطلوب‌تر است هر چند تسری این فرایند به سایر جرایم نیز ضروری است.

**کلمات کلیدی:** آیین دادرسی کیفری، عدالت ترمیمی، میانجیگری کیفری، صلح و

سازش

## مقدمه و بیان مسئله

با مداخله مردم در فرایند کیفری، جایگاه دادرسی از حالت تفتیشی بودن خارج شده و بیشتر جنبه اتهامی به خود می‌گیرد. چون دیگر دادرسی مکلف نیست بر اساس رویکرد حداکثری و اجباری تعقیب، پرونده همه جرایم را جهت رسیدگی و صدور حکم به دادگاه ارسال نماید. (آشوری، ۱۳۸۶، ۳۴۵)

در مواردی که ادامه روند دادرسی سودی برای جامعه و متهم و بزه دیده نداشته بلکه متضمن مفسده و ضرر نیز می‌باشد، نگرش جدید مقتضی بودن تعقیب در مرحله پیش دادرسی وارد نظام عدالت کیفری شده و اندیشه الزامی بودن تعقیب را مورد تردید قرار داده است. سؤال اساسی این است که در نظام کیفری ایران تا چه میزان قابلیت و بسترهای لازم برای پیاده سازی راهبرد توافقی شدن دادرسی در دادرسی در اثر میانجیگری وجود دارد؟ و نسبت به چه جرایمی قابلیت اجرا دارد و چه آثار و شرایطی حاکم بر آن می‌باشد؟ میانجیگری به طور رسمی در مواد ۱ و ۸۲ و ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۸ قانون شوراهای حل اختلاف ۱۳۹۴ پیش‌بینی شده است. قانونگذار در قوانین مذکور نظام قانونی بودن تعقیب را رها کرده و به سوی سیستم موقعیت داشتن تعقیب گرایش پیدا کرده است و اهدافی مانند سزادهی و مجازات، جای خود را به پرداخت خسارت و صلح و سازش، اصلاح و بازپروری شخص بزه کار و اعاده نظم جامعه داده است. در فرایند میانجیگری، اصل بر گفتگو، میان طرفین دعوای کیفری و تلاش آنها برای تبادل نظر و رسیدن به صلح و آشتی است. در این فرایند با مدیریت میانجیگر و با حضور بزه دیده و متهم و عنداللزوم سایر اشخاص مؤثر در اصول سازش، موافقت نامه ای تنظیم و برای مقام قضائی ارسال می‌شود تا براساس ماهیت نوع جرم ارتكابی تصمیم‌گیری نماید کمیته کارشناسان تهیه توصیه نامه R (99) 19 شورای اروپا در طول سال های ۱۹۹۷ الی ۱۹۹۹ پس از بحث فراوان تصمیم به استفاده از واژه «میانجیگری در موضوعات کیفری» به جای «میانجیگری کیفری» گرفت با این استدلال که واژه میانجیگری کیفری در برگیرنده یک نوع تعارض است زیرا میانجیگری در ذات ترمیمی خود نمی‌تواند در برگیرنده مجازات باشد. در این مقاله مبانی میانجیگری و شرایط لازم جهت تحقق این فرایند

شامل شرط نوع جرم ارتكابی، شرط مربوط به طرفین امر کیفری (تقاضای متهم و قبول بزه دیده) مدت میانجیگری و مرجع ارجاع و تصمیم‌گیری و حدود و ثغور وظایف مقامات مربوطه مورد بررسی قرار می‌گیرد. ضرورت انجام این پژوهش از این جهت مهم است که بهره‌مندی از دیدگاه‌های موجود در جرم‌شناسی مانند الغاء‌گرایی کیفری، عدالت ترمیمی که در پی کاهش ارتكاب رفتار مجرمانه، مصلحت‌سنجی و قضا‌دایی به عنوان یک راهکار و خارج کردن متهم از چرخه عدالت قضایی است. کمک مؤثری در بهبود مدیریت پیشگیری از جرم ایفا می‌کند. مسلماً نهادهایی نظیر بایگانی کردن پرونده میانجی‌گری در مرحله دادرسی و دادگاه معامله اتهام پررنگ کردن نقش بزه دیده و ایجاد قرائت ترمیمی از آیین دادرسی کیفری می‌تواند نقش مثبت ایفا نماید که سیستم دادرسی آن یکنواخت و منطقی و مبتنی بر توازن حقوق متهم و جامعه بوده و از دیوان سالاری قضایی به دور باشد. (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۰، ۴۷۲)

### مبانی میانجیگری

گوهر اصلی صلح تبادل امتیاز است. به همین جهت توافقی شدن آ.د.ک یک راهبرد سازش مدار است. (فرج الهی، ۱۳۸۵، ۱۸۴)

حقوق‌دانان برای حمایت از منافع عمومی جامعه، منافع فرد را فدا نمی‌کنند و آئین دادرسی کیفری را قلمرو آزادی‌ها و نظم عمومی می‌دانند. آموزه «موقعیت داشتن تعقیب و مفید بودن آن» در اثر یافته‌های مکتب دفاع اجتماعی و جرم‌شناسی پا به عرصه وجود نهاده است. (ابوالحسنی، ۱۳۸۷، ۱۵)

«گروی» رویکرد ترمیمی را شیوه‌ای برای نشان دادن واکنش به بزه قلمداد می‌کند و نتیجه می‌گیرد واکنش عدالت ترمیمی به بزه از نظر ایجاد آرامش در بزه دیده. بهتر از کیفر بزه‌کار است و منجر به اصلاح رنج‌های او می‌شود که هدف اصلی بزه دیده از طرح دعاوی کیفری اساساً همین است.

«کتور» Gilbert MCantor می‌گوید: «باید بزهکاران را متمدن کرد و واژه کیفری به خطای مدنی تبدیل شود در این صورت نتیجه حاصله بسیار روشنفکرانه تر از بازی وحشیانه جرم و مجازات است.» (نجفی توانا، ۱۳۹۸، ۲۲۸)

امروزه یکی از جهت‌گیری‌های اصلی و عمده آیین دادرسی کیفری عدالت مصالحه‌ای و سازشی است که رضایت و توافق طرفین دعوا عنصر بنیادین و اصلی این گرایش محسوب می‌شود. (کوشکی، ۱۳۸۹، ۳۳۸)

عدالت ترمیمی رویکردی است که ریشه‌های شکل‌گیری آن به اجتماعات اولیه بشری و تلاش‌های مصلحانه ریش‌سفیدان این اجتماعات برای حل و فصل مصالحه‌آمیز آن بازمی‌گردد (مژده‌ی فرد و میلانی ۱۳۹۸، ۲۴)

رسالت عدالت ترمیمی در وهله نخست حمایت از بزه دیده و در مرتبه بعد به بزه کار و جامعه محلی است (صبحی، ۱۳۹۴، ۳۰-۳۷)

عدالت قراردادی نظریه جدید در حوزه عدالت کیفری است که راه مبارزه با جرم را در توافق با متهم یا بزهکار در قالب تعامل گفتگو و قرارداد با او جستجو می‌کند در واقع عدالت قراردادی نظریه مبتنی بر جرم‌شناسی تعامل‌گرایانه به شمار می‌آید که جایگاه مهمی در سیاست جنایی کشورها دارد نامگذاری آن به عدالت توافقی به لحاظ ضرورت توافق با متهم برای تحقق آن است که این توافق در قالب قرارداد تجلی پیدا می‌کند به همین دلیل آن را عدالت قراردادی نیز می‌توان نامید. (شامبیاتی و پروینی، ۱۳۹۴، ۱۴۰) به منظور پیشگیری از تنزل مصلحت‌گرایی به سلیقه‌گرایی لازم است مصلحت‌گرایی مستدل و مستند و قاعده‌مند بوده و مصلحت‌های هر پرونده در فرآیندی روش‌مند و از پیش تعیین شده به دست آید (روزبهبانی ۱۳۹۴، ۱۵۸)

در مقام پاسخ‌گویی به جرایم، «عدالت کیفری رسمی» قیچی‌کننده روابط است و «میانجی‌گری» ترمیم‌کننده روابط. (غلامی و سودانی سادری، ۱۳۹۶، ۳۴)

میانجی‌گری تحت عنوان «حکمت یا داوری، شفاعت، اصلاح ذات‌البین» در سیاست جنایی اسلام به رسمیت شناخته شده است. عبارت «سَلَم» به معنای صلح، سازش و ترک منخاصمه در

آیه ۲۰۸ سوره بقره و عبارت «تألیف» که به معنای جمع کردن، نزدیک کردن دو چیز، یا دو شخص به یکدیگر است و عبارت «توفیق» به معنای هم‌فکر کردن، سازش و آشتی دادن دو نفر و عبارت «شفع» که به معنای انضمام چیزی به چیز دیگر است، تعابیر دیگری از مصالحه و میانجیگری در متون اسلامی است. «الصلحُ خیرٌ» صلح بهتر است. «در آیه ۱۲۸ سوره نساء»، «انما المؤمنون اخوه فصلحو بین اخویکم» همانا مؤمنان برادرند، پس میان برادران خود سازش برقرار کنید. سوره حجرات، آیه ۱۰. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «میانجی پر و بال طلب (حاجت) است.» امام صادق می‌فرماید: «میانجیگری زکات مقام است.» «کسی که میان افراد متنازع آشتی بدهد، دروغگو نیست، این عمل او تنها اصلاح است دروغ نیست» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۳۷۵)

ماهیت حقوقی این راهبرد با عقد صلح انطباق دارد. به همین جهت قرار دادی شدن دادرسی کیفری راهبردی «سازش مدار» است و کنش‌گران آن را به دلیل اینکه طرفین در زمینه چگونگی پاسخ به پدیده مجرمانه مصالحه می‌کنند به عقد صلح همانند پنداشته‌اند. عقد صلح، عقدی لازم است ولی در قلمرو راهبرد یاد شده توافق طرفین جنبه نسبی داشته و در نتیجه شماری از آثار این عقد به شکل واقعی متبلور نمی‌شود.

ماده یک قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در تعریف آئین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «آئین دادرسی کیفری، مجموعه قواعد و مقرراتی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجی‌گری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، ... رعایت حقوق متهم، بزه دیده و جامعه وضع می‌شود.» واژه «دادرسی» واژه ای مرکب و «کیفری» صفت آن است. دادرسی کیفری به معنای رسیدگی کیفری کردن براساس «داد» و عدالت است. صفت کیفری، آن را از دادرسی مدنی یا «حقوقی» تفکیک می‌کند. (ناجی زواره، ۱۳۹۵، ۳۰)

در این ماده از دو اصطلاح میانجیگری و صلح سخن به میان آمده است در زمینه ارتباط و مشابهت میان دو اصطلاح در نظریه اداره حقوقی به شماره ۷/۹۴/۴۵۹ مورخ ۹۴/۳/۲ آمده است. «میانجیگری و صلح هر دو از شیوه‌های جایگزین حل اختلاف می‌باشند که مقنن آنها را در عرض یکدیگر مطرح نموده است زیرا در ماده ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ این قانون ساز و کار، شرایط



و ضوابط مشخصی برای میانجیگری پیش‌بینی نموده است. صلح و سازش ممکن است نتیجه میانگین میانجیگری باشد یا از هر طریق دیگری حاصل شود.»

میانجیگری کیفری از شیوه‌های کنار گذار به شمار می‌رود. مهم‌ترین ایرادی که اعمال میانجیگری در مرحله تحقیق دارد، این است که با «اماره بی‌گناهی» در تعارض قرار می‌گیرد، به عبارت دیگر اعمال میانجیگری در این مرحله یک «سلاح دو لب» است. زیرا پیش شرط ورود به میانجیگری اعتراف به جرم و پذیرش مجرمیت از سوی بزه‌کار است. سند شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد مقرر داشته، شرکت در فرایند ترمیمی نباید به عنوان دلیل اقرار در تعقیب بعدی استفاده شود. (زید شفیعی، ۱۳۸۵، ۹۰-۹۳)

تحقیقات مقدماتی زیربنای دادرسی کیفری است و تا حد زیادی در تعیین سرنوشت قضایی متهم نقش دارد.

تحقیق در مفهوم عام شامل هر اقدامی است که در جریان دادرسی کیفری در جهت کشف حقیقت و اجرای عدالت از سوی مقام قضایی و حتی ضابطان دادگستری انجام می‌شود و در معنای خاص کلمه، همان «تحقیقات مقدماتی» است که عمدتاً پس از انجام تعقیب از سوی دادستان، توسط مقام تحقیق در دادسرا و بعضاً به طور مستقیم در دادگاه انجام می‌گیرد. (ناجی زواره، ۱۳۹۸، ۱۶۱)

بموجب ماده ۹۲ ق.ا.د.ک «تحقیقات مقدماتی تمام جرایم برعهده بازپرس است. در غیر جرایم موضوع ماده ۳۰۲ این قانون در صورت کمبود بازپرس، دادستان نیز دارای تمام اختیارات و وظایفی است که برای بازپرس تعیین شده است...» و قضات دادگاه بخش نیز طبق ماده ۲۲۹ دارای اختیارات رسیدگی به جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری دو می‌باشند و تحقیق مقدماتی جرایم مطروحه در آن دادگاه را انجام می‌دهند. مطابق ماده ۳۳۷ همین قانون در جرایم موضوع ماده ۳۰۲ رئیس دادگاه بخش به جانشینی از بازپرس و تحت نظارت و تعلیمات دادستان شهرستان مربوط، انجام وظیفه و مبادرت به تحقیق از متهم می‌نماید.

مطابق ماده ۸۲ در جرایم تعزیری درجه شش و هفت و هشتم که مجازات آنها قابل تعلیق باشد، مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین موضوع را با توافق آنان به شورای

حل اختلاف شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجیگری ارجاع دهد. در ماده ۱۹۲ ق.ا.د.ک نیز بازپرس مکلف شده در صورت امکان، سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجیگری نماید.

ماده ۸ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴، برای صلح و سازش با تراضی طرفین در خصوص جنبه خصوصی جرایم غیرقابل گذشت و کلیه جرایم قابل گذشت برای شورای حل اختلاف صلاحیت قائل شده است.

### مفهوم میانجیگری و میانجیگر

میانجیگری سنگ بنا و جانمایه و ابزار و شالوده عدالت ترمیمی است. میانجیگری از اصطلاح لاتین *mediere* به معنای وسط قرار گرفتن است.

واژه میانجیگری در دو معنا به کار برده می‌شود یکی به معنای وساطت بین دو طرف که با هم اختلاف دارند جهت رفع اختلافات و بخشش بزه کار به وسیله بزه دیده و ایجاد صلح و سازش و دوم به معنای وساطت نزد قاضی به سود مجرم به منظور عفو و بخشش خطای او یا تخفیف در مجازات به معنای شفاعت در زبان عربی. (امامی، ۱۳۹۴، ۲۱۴)

«میانجیگری عبارت است از مداخله یک طرف موجه و بی طرف و فاقد تصمیم‌گیری آمرانه در یک اختلاف یا مذاکره به منظور کمک به طرف‌های اختلاف در رسیدن به توافق بر سر مسائل مورد اختلاف به صورت اختیاری» (گرشاسبی، ۱۳۸۸، ۲۸)

یکی از حقوقدانان می‌گوید: «میانجیگری نمونه‌ای از انحراف فرایند کیفری برای حل و فصل اختلاف‌های ناشی از جرم است که ممکن است در هر مرحله‌ای، اعم از لحظه‌ای که جرم اتفاق می‌افتد یا قبل از اینکه متهم در محضر دادگاه حاضر شود اعمال شود.» (نجفی ابرندآبادی ۱۳۹۰، ۹۲)

ماده ۸۲ ق.ا.د.ک تعریفی از میانجیگری ننموده و صرفاً به بیان برخی شرایط آن بسنده کرده، اما بند الف ماده یک آئین‌نامه میانجیگری در امور کیفری مصوب ۱۳۹۴ در تعریف میانجیگری می‌گوید: «فرآیندی است که طی آن بزه دیده و متهم با مدیریت میانجیگر در

فضای مناسب در خصوص علل آثار و نتایج جرم انتسابی و نیز راه های جبران خسارت ناشی از آن نسبت به بزه دیده و متهم گفتگو نموده و در صورت حصول سازش تعهدات و حقوق طرفین تعیین می گردد.»

معنی لغوی «میانجیگر» واسطه و مصلح هست و به عنوان یک شخص سوم بی طرف عمل می کند و بیشتر تسهیل گر است تا هدایت کننده. (اعظمی، ۱۳۹۷، ۸)

«جانستون» می گوید: «نقش میانجی تحمیل تفسیر یا راه حل خود به طرفین درگیر در دعوا نیست بلکه وظیفه وی تشویق طرفین به بازگویی داستان، ترغیب آنها به تشریح احساسات خود و پرسش از یکدیگر صحبت در مورد تاثیر و نتایج بزه می باشد تا درباره شیوه های ترمیم خسارات وارده به توافق برسند.» (جانستون، ۲۰۰۲، ۳)

برابر بند ب ماده یک آئین نامه: «میانجیگر» شورای حل اختلاف شخص یا مؤسسه ای است که فرآیند گفتگو و ایجاد سازش بین طرفین امر کیفری را مدیریت و تسهیل می نماید، البته در صورت تراضی طرفین به میانجیگری شخص خاص طبق ماده ۵ آئین نامه مذکور پس از تأیید مقام قضایی شخص مذکور به عنوان میانجی گر تعیین خواهد شد. چنانچه میانجی در پایان نظری هم ارائه نماید. این نظر برای طرفین الزام آور نیست و همچون پیشنهادی است که باید طرفین در خصوص آن توافق نمایند. (درویشی هویدا، ۱۳۸۸، ۹۱)

### شرایط اعمال فرایند میانجیگری

از نظر حقوقی گردش چرخه دادرسی کیفری الزاماً به معنی وقوع جرم در عالم خارج یا مجرم بودن متهم نیست این چرخه با هر ادعای کیفری صرف نظر از صحت یا سقم آن به گردش در می آید. ورود متهم در این چرخه الزاماً با هدف و منظور مجرم شناختن او نیست محاکمه و تحقیق از متهم به مثابه اخذ آزمون از اوست و اگر رسالت دادرسی در محکوم و مجازات کردن متهم باشد فرصت محاکمه تبدیل به تهدید علیه متهم می گردد. (ناجی زواره، ۱۳۹۲، ۱۱۲)

اعمال این نهاد ارفاقی منوط به وجود شرایطی از جمله شرایط مربوط به جرم ارتكابی، طرفین امر کیفری، مدت میانجیگری و مرجع ارجاع امر به میانجیگری می‌باشد.

### شرایط مربوط به جرم ارتكابی

ماده ۸۲ ق.ا.د.ک اجرای این نهاد را در راستای تحقق عدالت ترمیمی در جرایم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ اجازه داده است در بند پ ماده یک آیین نامه نیز آمده، جرایم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ که مجازات آنها قابل تعلیق است، قابلیت ارجاع به میانجیگری را دارند. وفق ماده ۱۸ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص، یا دیه نیست ... به موجب قانون تعیین می‌شود.» درجه بندی مجازات ها در ماده ۱۹ همین قانون آمده و در جرایم تعزیری درجه شش دارای «حداکثر حبس دو سال -شلاق تعزیری تا ۷۴ ضربه و در جرایم منافی عفت تا ۹۹ ضربه - جزای نقدی تا ۲۴۰ میلیون ریال برابر مصوبه ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ هیئت وزیران» می‌باشد.

قانونگذار در اینجا به معیار «شدت و ضعف مجازات ها» نظر داشته و تنها به جرایم کم اهمیت و خُرد اجازه ورود به میانجیگری را می‌دهد. به عبارتی تمامی جرایم درجه شش و هفت و هشت، قابل احاله به میانجیگری نبوده بلکه باید واجد شرایط لازم برای تعلیق اجرای مجازات مصرح در ماده ۴۰ و ۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ باشند.

شرط وضع اجتماعی و نداشتن سوء پیشینه رویکرد «مجرم مدار» و شرط نوع و ماهیت رفتارهای مجرمانه یعنی جرم ارتكابی تعزیری باشد رویکرد «جرم مدار» و گذشت شاکی و بزه دیده رویکرد «بزه دیده مدار» دارد. (نیازپور، ۱۳۹۲، ۱۵۴) مطابق ماده ۴۷ و تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی برخی جرایم تعزیری و تعزیرات منصوص شرعی قابل ارجاع به میانجیگری نیست. مانند جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، جرایم سازمان یافته، سرقت مسلحانه، قدرت نمایی با چاقو و جرایم اقتصادی. با توجه به اینکه طبق ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ رسیدگی به جرایم تعزیری درجه ۸ در صلاحیت ذاتی

شورا قرار داده شده، به نظر می‌رسد با توجه به تبعیت قوانین خاص از قانون عام، قاضی شورای حل اختلاف نیز از این نهاد ارفاقی می‌تواند استفاده کند.

اجرای میانجیگری در حوزه حدود نیز قابل اجراست، زیرا در مرحله تعقیب و تحقیق جرائم حدی اصل را بر بزه‌پوشی و انکار می‌گذارد و از افراد می‌خواهد که بین خود و خدایشان توبه نمایند و در جرایم حدی حق الناس مانند حد قذف که اجرای آن منوط به مطالبه مقذوف است و نیز سرقت حدی قبل از «رفع الی الحاکم» طرفین می‌توانند به میانجیگری روی آورند.

لذا میانجیگری قبل از اثبات جرم از مرحله کشف تا تعقیب می‌تواند مقدمه ای برای اصلاح و توبه مجرم در جرایم حدی باشد.

در نهاد دیه که حق الناس و در ذات خود جنبه ترمیمی دارد با اجرای میانجیگری به طرفین اجازه می‌دهد با پایمردی شخص ثالث مورد قبول آنها تصمیمی اتخاذ کنند که به نحو مقتضی منافع هر دو طرف را جبران نماید.

در جرایم مستوجب قصاص که یکی از بسترهای ظهور عدالت مشارکتی است مجنی علیه و یا اولیای دم وارد فرآیندی می‌شوند که امکان گفتگو پیرامون حوادث پیش آمده فراهم می‌گردد. ماده ۳۴۷ قانون مجازات اسلامی، مقرر می‌دارد «صاحب حق قصاص در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی ... می‌تواند با جانی مصالحه یا گذشت کند.» بنابراین با توسل به روش های مصالحه گرایانه همچون میانجیگری می‌توان در جرایم مستوجب قصاص بین طرفین امر کیفری، صلح و سازش برقرار کرد. (جانی پور و قریب، ۱۳۹۶، ۲۴۲) لازم به ذکر است، در اسناد بین المللی هیچ محدودیتی در مورد نوع جرایمی که فرایندهای ترمیمی به طور اعمّ و میانجیگری بطور اخص باید در مورد آنها به کار رود، وجود ندارد. (بهره مند بیگ، ۱۳۸۳، ۸۵-۸۴)

### شرایط مربوط به طرفین امر کیفری

این فرایند سه جانبه فارغ از تشریفات معمول در فرآیند کیفری بر اساس توافق قبلی بزهکار، بزه دیده و با حضور میانجیگر شکل می‌گیرد. البته مشارکت فعال بزه کار در مدیریت

کیفری هرگز به معنای «خصوصی سازی عدالت کیفری» و «گرفتار شدن در دامن عدالت اتفاقی» نخواهد بود. (عباسی، ۱۳۸۲، ۹۸)

مشارکت ندادن بزهکار در فرایند دادرسی کیفری و اینکه امکانات و فرصت های لازم برای پرداختن به انگیزه های ارتکاب جرم وجود ندارد و امکان بررسی عوامل به او داده نمی شود. در عمل منجر به نتیجه ای معکوس می شود و بزهکار خود را قربانی فرایند دادرسی کیفری می پندارد. در این شرایط بزهکاران دستگیر، توقیف محاکمه و محکوم می شوند و پس از طی فرایند کیفری به تصور اینکه اصلاح شده اند آزاد می شوند اما بار دیگر به ارتکاب جرم اقدام می کنند و چرخ های دستگاه عدالت کیفری را به دفعات به گردش در می آورند. (غلامی، ۱۳۸۲، ۸)

در ماده ۸۲ ق آ د.ک آمده است، مقام قضایی با «درخواست متهم» و «موافقت بزه دیده یا مدعی خصوصی» می تواند دعوا را به میانجیگری ارجاع دهد، بعبارتی جرم باید دارای دو طرف بزهکار و بزه دیده باشد. در جرایم حق الله محض و جرایم بدون بزه دیده، نمی توان این فرآیند را اجرا کرد. «شاکی» کسی است که شخصاً از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان مادی یا معنوی شده یا اینکه حق شکایت را مطابق قانون (به ولایت و قائم مقامی زیان دیده از جرم) پیدا نموده و در مقام تظلم به مقام تعقیب و تحقیق رجوع می کند. (ناجی زواره، ۱۳۹۴، ۶۶)

ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد «بزه دیده» شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، شاکی و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند مدعی خصوصی نامیده می شود.

پیش بینی شرط اخذ توافق متهمان، نمایانگر گرایش به افقی- توافقی کردن عدالت کیفری و گسست امری بودن مقررات کیفری است. از طرفی هم دارای کارکرد جرم شناسانه می باشد زیرا آنان با اجرای دستورات دادستان به سمت هنجارگرایی و اصلاح و درمان سوق داده می شوند.

شرط موافقت و قبول بزه دیده به این دلیل ضروری است که فرایند میانجیگری تحت الشعاع آموزه های عدالت ترمیمی با رویکرد بزه دیده محوری می باشد.

شرط توافق بزه دیده در تحقق میانجیگری منطقی می‌باشد زیرا او مورد تعدی و ستم قرار گرفته است و دادرس پرونده باید تمامی تلاش خود را برای جبران خسارات های مادی و معنوی شاکی انجام دهد، پس تغییر کمی و کیفی پاسخ‌های نظام عدالت کیفری به شخص بزهکار بدون مشارکت بزه‌دیده غیر عقلایی می‌باشد. (مالدار، ۱۳۹۶، ۱۰۰)

مضاف بر آن قانونگذار ایران «معیار شخصی» را هم برای ارجاع پرونده به میانجیگری در نظر داشته، یعنی «وضعیت فردی خانوادگی اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم شده» هم باید مدنظر مقام قضایی قرار گیرد.

وجود «سابقه مؤثر کیفری» متهم برابر ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی منجر به عدم استحقاق فرد بزهکار از ارجاع پرونده به میانجیگری می‌شود. محکومیت کیفری مؤثر محکومیتی است که براساس ماده ۲۵ همین قانون محکوم را به تبع اجرای حکم از حقوق اجتماعی محروم می‌کند. (محکومیت های تبعی) مانند هفت سال محرومیت از حقوق اجتماعی در محکومیت به حبس ابد، سه سال محرومیت در محکومیت به حبس تا درجه چهار و دو سال در محکومیت به شلاق حدی و حبس درجه پنج.

برخورداری از نهاد ارفاقی میانجیگری منوط به وجود «جهات تخفیف» است. این جهات در مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آمده است از جمله اقرار متهم یا گذشت شاکی. مقصود از گذشت شاکی، رضایت قطعی و منجز وی در جرایم غیرقابل گذشت است، چرا که در جرایم گذشت پذیر، رضایت قطعی شاکی موجب صدور قرار موقوفی تعقیب می‌شود و جایی برای تخفیف احتمالی مجازات باقی نمی‌ماند.

مقام قضایی در صورتی با درخواست متهم مبنی بر ارجاع امر به میانجیگری موافقت می‌نماید که از وی «تأمین مناسبی» اخذ نموده باشد. علت این امر آن است که این نهاد می‌تواند فتح بابی برای سوء استفاده احتمالی مجرمان گردد. تأمین یاد شده می‌تواند هر کدام از انواع تأمین‌های ماده ۲۱۷ ق.ا.د.ک باشد که با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جرم و خصوصیات متهم و خسارات بزه دیده است، ولی تأمین نباید منجر به بازداشت وی شود زیرا به نظر زمینه برای انجام مذاکره و میانجیگری از بین می‌رود.

بدون سپردن تأمین کیفری، مجرمان از این ارفاق قانونی برای فراهم سازی امکان فرار و اطاله دادرسی به منظور از بین بردن دلایل و مدارک جرم و یا آزار بزه دیده در صورت عدم حصول سازش استفاده می نمایند. (قاجار کوهستانی، ۱۳۹۵، ۹۰)

### مدت میانجیگری

در صورت موافقت مقام قضایی با درخواست احاله امر به میانجیگری، مدت میانجیگری «سه ماه» می باشد زیرا این فرایند به یکباره حاصل نمی شود و محتاج به زمان و برگزاری جلسات توسط افراد مشخص می باشد و در صورت اقتضاء این مدت فقط برای یکبار و به میزان مذکور قابل تمدید است.

قسمت اول ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری که متهم از مقام قضایی درخواست مهلت دوماهه برای جلب رضایت بزه دیده یا شاکی را می کند اصلاً میانجیگری نیست اما چون بیرون از دستگاه قضایی طرفین به توافق می رسند نزدیک به میانجیگری جامعوی است زیرا مقام قضایی صرفاً تعیین مهلت می کند و مداخله دیگری انجام نمی دهد و فقط نتیجه برای دادرسی مهم است. البته قسمت دوم ماده اشاره به میانجیگری کیفری جامعوی- دولتی، دارد زیرا اجازه آن توسط مقام قضایی صادر می شود و فرایند میانجیگری نیز تحت نظارت مقام قضایی انجام می شود (بندگان، ۱۳۹۵، ۱۲)

قانونگذار در ماده ۸۲ آیین دادرسی کیفری به ذکر قید «اقتضاء» برای تمدید مهلت اکتفا نموده است. با توجه به این قید، تمدید مدت «جنبه شخصی دارد نه نوعی». زیرا اگر برای قاضی مسلم شود فرایند میانجیگری به خوبی پیش می رود دستور ادامه آن را صادر می کنند. لازم به ذکر است، تمدید مهلت میانجیگری، نیازی به رضایت طرفین ندارد و قابل اعتراض نیز نمی باشد و همچنین شخصی میانجیگر نیز اختیار تمدید آن را ندارد و فقط با توجه به ماده ۲۸ آیین نامه مذکور، میانجیگر یا طرفین اختلاف می توانند تمدید مهلت را از قاضی پرونده بخواهند.



### مرجع ارجاع به میانجیگری

مقام قضایی تکلیفی برای احاله امر به میانجیگری ندارد. بازپرس یا جانشینان وی در صورت وجود شرایط قانونی می‌توانند اعمال آن را از دادستان درخواست نمایند، ولی دادپاران وفق ماده ۸۸ ق.آ. د. ک می‌توانند رأساً قرار تعلیق تعقیب را صادر نمایند، با این حال قرار اصداری می‌بایست به نظر دادستان یا دادیار اظهار نظر برسد. در صورت حصول توافق ناشی از میانجیگری مطابق ماده ۲۸۳ دادستان می‌تواند از کیفرخواست اصداری عدول کند مشروط بر آنکه پرونده را به دادگاه ارسال ننموده باشد و شرایط صدور قرار ارجاع، نیز مهیا باشد. با توجه به تبصره ماده ۸۲، در صورت مخالفت دادستان با تصمیمات سایر مقامات قضایی دادر، حق اعتراضی برای آن مقامات پیش بینی نشده است و بازپرس یا دادیار مکلف به تمکین از نظر دادستان هستند.

در نگاه اولیه بین ماده ۱۹۲ و تبصره ماده ۸۲ تعارض وجود دارد زیرا از یک سو در تبصره به بازپرس تنها حق درخواست احاله به میانجیگری از دادستان داده شده و ارجاع به میانجیگری از وظایف دادستان شناخته شده و از سوی دیگر در ماده ۱۹۲ بازپرس مکلف به ارجاع این امر شده است. ماده ۱۹۲ عام تر از ماده ۸۲ و شامل تمام جرایم می‌شود. (اعظمی، ۱۳۹۷، ۲۰) ولی بنظر، منظور از تکلیف بازپرس در ماده ۱۹۲ این است که در صورت وجود شرایط میانجیگری او می‌تواند برابر ماده ۸۲ ارجاع موضوع کیفری را از دادستان بخواهد و خود راساً مجاز به صدور قرار ارجاع نیست.

در جرایم مصرح در ماده ۳۰۶ ق.آ. د.ک مانند زنا -لواط عمل منافی عفت اگر قائل به قابلیت ارجاع این جرایم به میانجیگری باشیم و جرایم تعزیری درجه هفت و هشت که مطابق ماده ۳۴۰ همین قانون به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شود یا جرایم اطفال و نوجوانان زیر ۱۵ سال که به موجب تبصره ۱ ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک تحقیقات مقدماتی در خصوص جرایم آنان مستقیماً در دادگاه اطفال و نوجوانان انجام می‌شود. در این موارد در مرحله تحقیقات مقدماتی، پرونده توسط قاضی دادگاه قابل ارجاع به میانجیگری می‌باشد. این موضوع به صراحت در ماده ۸۱ و تبصره ۵ آن آمده است.

### آثار حقوقی میانجیگری

با توجه به ماهیت جرم ارتكابی، از جهت قابل گذشت و جلب رضایت شاکی، و جرم قابل گذشت و صرفاً جبران خسارت شاکی و بدون جلب گذشت وی و جرم غیرقابل گذشت و جلب گذشت شاکی حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا تعلیق تعقیب صادر می‌گردد.

۱- میانجیگری کیفری در جرایم قابل گذشت، دارای اثر قطعی نسبت به کنار گذاردن تعقیب دعوی کیفری است و در صورت حصول توافق و گذشت شاکی، قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد شد. جرایم قابل گذشت طبق تبصره یک ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی، جرایمی است که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است. جرایم قابل گذشت، در ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی با دو شرط حق الناس بودن و شرعاً قابل گذشت بودن آمده و در و ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ و قوانین خاص به قید تصریح مشخص شده اند.

امروزه رویه عملی محاکم شرعاً قابل گذشت بودن را به عدم ممنوعیت شرعی در گذشت تفسیر نموده و این که فعلی به صراحت در شرع حق الله و غیر قابل گذشت محسوب نگردیده باشد آن را قابل گذشت تلقی می‌نماید. (ابراهیمی، ۱۳۹۵، ۳۱) این میانجیگری بیشتر جنبه ترمیمی دارد. با این توضیح که اتخاذ قرار موقوفی تعقیب منوط به موافقت بزه کار نیست.

۲- در جرایم غیرقابل گذشت اگر شاکی پس از فرآیند میانجیگری گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود، مقام قضایی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق می‌کند، یا تعقیب را ادامه دهد. مقام قضایی علاوه بر توافق نخستین با متهم برای «گزینش میانجیگری»، در «تعیین تکلیف نهایی» در پرونده قضایی -کیفری نیز به نظر وی نیاز دارد. در مرتبه دوم اجرای پاسخ پیش بینی شده به توافق میان آنان وابسته است. پیش بینی شرط واپسین به موافقت متهم به میانجیگری جنبه توافقی بخشیده است. علاوه بر این متعهد نمودن متهم به انجام دستورهای صادره بر ماهیت توافقی آن افزوده شده است. (نیازپور، ۱۳۹۲، ۲۱۵) دلیل اخذ موافقت متهم این است که او

ممکن است اعتقاد به بیگناهی خود داشته باشد و ادامه تعقیب به نفع او خواهد بود و دیگر اینکه متهم در اثر صدور قرار تعلیق ملزم به تبعیت از دستورات خاصی می شود و چه بسا تحمل مجازات برای فرد آسان تر از پذیرش این امور باشد.

تعلیق پذیرفته شده در قانون ایران از نوع مراقبتی است بنابراین، به موجب بند الف ماده ۸۱ ق.ا.د.ک، مقام قضایی می تواند مرتکبان جرم را به ارائه خدمات به بزه دیدگان مکلف کند، در نظریه ۱۳۹۴/۴/۱۶ - ۷/۹۴/۹۵۷ اداره کل حقوقی قوه قضائیه آمده. «اجرای برخی از دستورهای مذکور از سوی متهم، جزء لاینفک قرار تعلیق تعقیب می باشد و دادستان مکلف به ذکر دستورهای مزبور ضمن صدور قرار تعلیق می باشد.»

با توجه به اینکه به موجب قسمت الف بند ۳ ماده ۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و مقاله نامه شماره ۲۹ مصوب ۱۹۳۰ و ادار کردن دیگری به انجام کار - خدمات ممنوع شمرده شده، پیش بینی موافقت بزه کاران در تعلیق تعقیب مراقبتی به انجام این گونه دستورها با آموزه های حقوق بشری سازگار است. (فتح آبادی، ۱۳۹۹، ۲۱۱) در این راستا، مقام قضایی ضمن صدور قرار تعلیق دستوراتی همسو با تعهدات متهم در فرآیند میانجیگری صادر می کند.

در قانون، الزام آور بودن نتیجه میانجیگری پیش بینی نشده است، شاید دلیل آن اختیاری بودن این فرآیند باشد، زیرا هم پذیرش ورود به آن اختیاری است و هم پذیرش نتیجه آن. ولی پس از پذیرش رأی میانجیگری، آن رأی ضامات اجرا دارد.

با دقت در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری متوجه توجه زیاد قانونگذار به دو هدف مهم ترمیم خسارت بزه دیده و اصلاح بزه کار هم در شرایط صدور قرار تعلیق تعقیب و هم در دستورهای پیش بینی شده در بندهای ماده ۸۱ می شویم. (فرهمند، ۱۳۹۶، ۱۰۲)

در حقوق ایران، در خصوص ناکامی در اجرای تعهدات صورت گرفته بین اصحاب دعوا در فرآیند کیفری در قسمت آخر ماده ۸۲ ق.ا.د.ک آمده است: «مقام قضایی در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی قرار تعلیق را لغو و تعقیب را ادامه می دهد» منظور از مقنن، آن تعهداتی است که متهم در قبال شاکی دارد،

نه در مقابل مقام قضایی. زیرا در صورت عدم انجام دستورات مقام قضایی از سوی متهم، در ماده ۸۱ تعیین تکلیف شده و این مقام خود قرار تعلیق را لغو و دستور به ادامه تعقیب خواهد داد.

### نتیجه‌گیری

قراردادی شدن دادرسی کیفری در مرحله پیش دادرسی، باعث اعتباردهی به اراده متهم شده و عدالت کیفری فقط به دنبال یک سیاست کیفری از پیش تعیین شده نمی‌باشد و با دو یا سه جانبه کردن فرایند کیفری و برابرسازی کنش گران یعنی (مقام قضایی و بزه‌کار و بزه دیده) چگونگی پاسخ دهی به بزه کاری را تغییر داده است و با به رسمیت شناختن اراده طرفین عدالت کیفری اسباب خصوصی شدن حقوق کیفری را فراهم نموده و ماهیت قراردادی بدان بخشیده است و نقش مهمی در بازپروری بزه‌کاران که از مهمترین اهداف نظام عدالت کیفری است گذاشته و از الصاق بر چسب مجرمانه به آنان جلوگیری کرده و پاسخ توافق مدار به رفتار ارتكابی آنان داده است (نیازپور، ۱۳۹۲، ۳۳۵) لذا استفاده از نهادارفاقی میانجیگری باعث تسریع در فرایند رسیدگی کیفری - بالا بردن دقت در زمینه چگونگی پاسخ دهی به بزه کاران - کاهش هزینه نظام عدالت کیفری شده و عدالت کیفری را فایده‌گرا نموده است. نهایت آنکه رویکرد کنونی قانونگذار حقوق کیفری در مورد میانجیگری، نه حامی نظریات مذهبی و عرفی است و نه در مسیر تحولات علوم جنایی

## کتابنامه

۱. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۵) خوانش ترمیمی از قرار ترک تعقیب در دانشنامه عدالت ترمیمی، تهران، نشر میزان
۲. ابوالحسنی، بهروز (۱۳۸۷) نقش دادستان در تجدیدنظرخواهی از آراء کیفری، تهران، انتشارات جنگل جاودانه
۳. آشوری، محمد (۱۳۸۶) تحول جایگاه دادرسی و ترافیعی شدن امر تعقیب در گروهی از مؤلفان، تأملاتی در حقوق تطبیقی، تهران، انتشارات سمت.
۴. اعظمی، محسن (۱۳۹۷) فرآیند میانجیگری در امور کیفری، نشریه آراء، شماره ۸، تهران، صص ۵۲-۲۶
۵. آلت مئس -فرانسواز (۱۳۸۵) قراردادی کردن حقوق کیفری افسانه یا واقعیت؟ ترجمه فرج الهی، رضا مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۴، صص ۱۸۸-۱۶۵
۶. امامی، پریا (۱۳۹۴) تأملی در پیش نویس لایحه آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، همایش ملی آیین دادرسی کیفری در بوته نقد، انجمن حقوق دانشگاه آزاد مراغه
۷. بندگان، پروانه (۱۳۹۵) بررسی میانجیگری با تأکید بر آیین نامه اجرایی مصوب ۱۳۹۴، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.
۸. بهره مندبگ، حمید ۱۳۸۳ عدالت ترمیمی و جلوه های آن در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق
۹. جانی پور، مجتبی و رخساره قریب (۱۳۹۶) مطالعه تطبیقی قلمرو و معیارهای اعمال میانجیگری کیفری در حقوق ایران انگلیس و بلژیک، پژوهشنامه حقوق کیفری دانشگاه گیلان، سال هشتم، شماره اول، صص ۲۳۸-۲۵۸
۱۰. درویشی هویدا، یوسف (۱۳۸۸) شیوه های جایگزین حل و فصل اختلافات، تهران، نشر میزان
۱۱. روزبهرانی، مژگان (۱۳۹۴) جلوه های اقتضای تعقیب در آیین دادرسی کیفری ۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی
۱۲. زید شفیع، منا (۱۳۸۵) میانجیگری کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

۱۳. سماواتی پیروز، امیر (۱۳۸۲) عدالت ترمیمی، تعدیل عدالت کیفری یا تغییر آن، تهران، انتشارات نگاه بینه
۱۴. شامبیاتی، هوشنگ و پروینی، علی (۱۳۹۴) کارکرد عدالت توافقی در سیاست جنایی، مجله پزشکی قانونی ایران، دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۱۵۴-۱۳۹
۱۵. شیخ الاسلامی، عباس (۱۳۹۰) جایگاه یافته های جرم شناسی در تحولات تقنینی کیفری ایران در علوم جنایی مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، نشر سمت، صص ۴۹۷-۴۷۲
۱۶. صبوچی، رحمان (۱۳۹۴) عدالت ترمیمی در نظام کیفری موضوعه ایران، تهران، انتشارات مجد
۱۷. عباسی، مصطفی (۱۳۸۲) عدالت ترمیمی، دیدگاه نوین عدالت کیفری، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۹، صص ۱۲۸-۸۵
۱۸. غلامی، حسین و سودانی سادری، بدر (۱۳۹۸) قلمرو میانجیگری کیفری در انواع جرایم. مجله پژوهشهای حقوق جزا و جرم شناسی. شماره ۱۳، صص ۶۱-۳۳
۱۹. غلامی، حسین (۱۳۹۲) عدالت ترمیمی، تهران، انتشارات سمت....
۲۰. فتح آبادی، حسین و مهدوی ثابت، محمد علی (۱۳۹۹) واکاوی رویکردهای تعقیب زدا در پرتو سیاست فردی کردن عدالت کیفری، مجله پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، شماره 13، صص ۲۳۰-۲۱۱
۲۱. فرهمند، مجتبی (۱۳۹۶) جلوه های عدالت ترمیمی در حقوق کیفری ایران، تهران، نشر میزان
۲۲. قاجار کوهستانی، نرگس (۱۳۹۵) میانجیگری در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران
۲۳. کوشکی. غلامحسین (۱۳۸۹) جایگزین های تعقیب دعوی عمومی در نظام کیفری ایران و فرانسه، فصلنامه پژوهش، سال دوازدهم، شماره ۲۹، صص ۳۵۰-۳۲۷
۲۴. گرشناسی، اصغر (۱۳۸۸) فن و هنرمیانجیگری، تهران، نشر مهاجر
۲۵. مالدار، محمد حسن (۱۳۹۶) میانجیگری، عدالتی بنا نهاده شده بر مبنای قراردادی سه جانبه، مجله اندیشمندان حقوق، شماره ۱۳، صص ۱۰۳-۹۵
۲۶. مزدهی فرد، مریم و میلانی، علیرضا (۱۳۹۸) جایگاه عدالت ترمیمی، تهران، انتشارات مجد

۲۷. ناجی زواره، مرتضی (۱۳۹۲) رسالت فرایند دادرسی کیفری، نشریه تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۹ دوره ششم، صص ۱۱۰-۱۲۰
۲۸. ناجی زواره، مرتضی (۱۳۹۵) آشنایی با آیین دادرسی کیفری، دعاوی ناشی از جرم و تحقیقات مقدماتی، جلد ۱، تهران، انتشارات خرسندی
۲۹. ناجی زواره، مرتضی (۱۳۹۸) دیباچه آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات خرسندی
۳۰. ناجی زواره، مرتضی و مصطفوی، مریم سادات (۱۳۹۴) نقش شاکی خصوصی در فرایند دادرسی در جرایم غیر قابل گذشت در دادسرا، مجله پژوهشهای حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۲۶ صص ۸۴-۶۵
۳۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۰) دانشنامه جرم شناسی، تهران، انتشارات گنج دانش
۳۲. نجفی توانا، علی و ناجی زواره، مرتضی و اسدی، محمدعلی (۱۳۹۸) رویکرد ترمیمی آسیب شناسی و بهبود عملکرد، فصلنامه دیدگاه های حقوقی و قضایی، دوره ۲۴، شماره ۸۵ صص ۲۴۷-۲۰۷
۳۳. نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۲) توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، تهران، نشر میزان
۳۴. منابع عربی:
۳۵. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی (۱۴۱۵) المحججه البيضا في تهذيب الاحياء، جلد 3، قم، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی
36. Johnstone, Gerry: Restorative Justice: I deasvalues oebates, willan publishing (2002), USA and Canada.